

درس این قرن

همراه با دو گفتار درباره آزادی و حکومت دمکراتیک

گفتگوی جیانکارلو بوزتی با کارل پاپر
علی پایا

فهرست

- ۷ □ یادداشت مترجم
۲۵ □ مقدمه

گفتگوی اول (۱۹۹۱)

- ۴۳ ۱. صلح‌طلبی، جنگ، و مواجهه با کمونیسم
۵۲ ۲. انتقادهای اصلی به مارکسیسم
۵۶ ۳. سال ۱۹۶۲: ساخاروف، خروشچف و سقوط شوروی
۶۹ ۴. برنامه سیاسی روز، حکومت قانون و کودکان
۸۳ ۵. حمله‌ای دیگر به تاریخگرایی: آینده باز است

گفتگوی دوم (۱۹۹۳)

- ۹۱ مقدمه فصل ۶
۹۳ ۶. ما با خطر سومین جنگ جهانی مواجهیم
۱۰۰ مقدمه فصل ۷
۱۰۲ ۷. تلویزیون نسل بشر را فاسد می‌کند: این وضع به سان یک جنگ است

دوگفتار

- ۱۰۹ ۸. تأملاتی درباره نظریه و عمل حکومت دمکراتیک
۱۳۴ ۹. آزادی و مسئولیت روشنفکری

ضمائم

- ۱۵۱ □ ضمیمه اول: توضیح پاپر در باب دمکراسی و نظام انتخاباتی «کرسی به نسبت آراء»
۱۶۷ □ ضمیمه دوم: دو یادداشت تازه پاپر در زندگینامه روشنفکری خویش
۱۷۱ □ فهرست اعلام

توضیح و سپاسگزاری

ناشر بر خود واجب می‌داند تا از آقای دکتر غلامحسین میرزا صالح که ترجمه کتاب را با دقت مطالعه کردند و پیشنهادهای مفیدی جهت تنقیح متن ارائه دادند، سپاسگزاری نماید. در عین حال ایشان به درخواست ناشر در پاره‌ای از موارد پانوشتهای اطلاع‌بخشی را بر متن افزوده‌اند که با نشانه (غ.م.) مشخص شده است. حواشی و پانوشتهایی که با علامت (م) مشخص گردیده متعلق به مترجم محترم است و مابقی پانوشتها مربوط به متن اصلی است.

طرح‌نو

به نام خدا

یادداشت مترجم

آموزه‌های متدولوژیک پاپر^۱ برای شرایط به‌سرعت متغیر زمانه، ابزار مؤثری به‌نظر می‌رسد. به‌اعتقاد پاپر تلاش در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی را نمی‌باید با ایده‌آل‌های بسیار بزرگ و آرمانهای اوتوپایی آغاز کرد. زیرا حتی اگر این آرمانها تحقق یابند، از آنجا که واقعیت بیرونی دائماً و به‌سرعت در حال تغییر است، جامعه‌ای که قرار بوده بهشت روی زمین به‌شمار آید، از همان لحظه تحقق (به‌فرض که چنین امری ممکن باشد) از سیر تحولات عقب خواهد افتاد و به‌جامعه‌ای نامتناسب با شرایط گذران و سریع‌التحول زمانه بدل خواهد شد. وظیفه دولتمردان ایجاد جوامع آرمانی نیست بلکه هدایت و مدیریت جامعه در جریان تغییرات و تحولات دائمی است.

در سیر این تحولات، دیدگاههای اعضای جامعه، از صدر تا ذیل، دستخوش تغییر و تحول مستمر می‌شود و خواسته‌ها و آرمانهای آنان تغییر می‌یابد، و به‌این ترتیب حتی اگر کار بر اساس یک الگوی آرمانی آغاز شده باشد، به‌زودی ضرورت ایجاد تغییرات و تصحیحات جدید در نمونه آرمانی، صورت اولیه آنرا بی‌اعتبار خواهد ساخت. نظام کمونیستی اتحاد جماهیر شوروی که در اوایل قرن اخیر به‌عنوان الگوی آرمانی ایجاد یک جامعه ایده‌آل مورد استفاده قرار گرفت و در اواخر این قرن، تحولات بیرونی آنرا به‌کلی از کارایی و اعتبار تهی ساخت، نمونه قابل ذکر و مناسبی است. به‌نظر می‌رسد که رهبران حزب کمونیست چین، با

۱. نام فیلسوف اتریشی در زبان فارسی به‌دو صورت «پاپر» و «پوپر» ضبط شده است. صورت اول، شیوه تلفظ انگلیسی‌زبانهاست که به‌اعتبار رحل اقامت گزیدن فیلسوف در انگلستان رواج عام یافته. ضبط دوم نحوه تلفظ این نام در زبان آلمانی است.

پندگیری از این نکته، کار تصحیح دیدگاههای خود را درست در سر بزنگاه آغاز کرده‌اند تا به سرنوشت همسایه خود دچار نگردند.

مدلهای آرمانی و الگوهای ایده‌آل، به دلیل ماهیت خاص خود، از یکسو این توهم را در اذهان القا می‌کنند که گویی پیشنهاددهندگان و مدافعان آن بر صراط مستقیم و در مسیر حق سیر می‌کنند، و کسانی که زبان به انتقاد از آن طرحها و الگوها باز کنند در زمره دشمنان و معاندان جای دارند، و از سوی دیگر به واسطه عدم همراهی با تغییرات و تحولات بیرونی و برخورداری از یک ساختار غیرقابل انعطاف و ثابت، به زودی به مانعی در راه حرکت سازنده جامعه بدل می‌شوند.

آموزه متدولوژیک پاپر آن است که به عوض تلاش برای خلق جوامع آرمانی، دولتمردان می‌باید کار را از شرایط عینی و واقعی موجود آغاز کنند و با تحلیل اوضاع و احوال در هر لحظه، بهترین راههای واقع بینانه و عملی بهبود شرایط را از میان راه‌های مختلف گزینش کنند و به مرحله اجرا درآورند. چگونگی این نحوه عمل را که همانا «هدایت جامعه و مدیریت امور آن» است می‌توان بدین گونه توضیح داد.

در قدم نخست می‌باید، مسائل مبتلا به، با دقت صورت‌بندی و مشخص شوند. نمی‌باید چنین فرض شود که مسائل، به خودی خود روشن و مشخص هستند و بنابراین نیاز به صورت‌بندی دقیق آنها نیست. دولتمردان می‌باید به عنوان نمونه از خود سؤال کنند که مسائلی که در حوزه آموزش و پرورش یا سیاست خارجی یا امور اقتصادی یا مشکلات جوانان مطرح هستند، دقیقاً چه هستند. روشن است که در این مرحله و حتی پیش از آنکه تلاش برای یافتن راه حل برای مسائل آغاز شده باشد، ممکن است میان دولتمردان بر سر اینکه مسائل اساسی کدامها هستند و صورت‌بندی دقیق هر کدام چیست اختلاف نظر وجود داشته باشد. به این اعتبار، دولتمردان و اصحاب سیاست می‌باید پیش از هر نوع اقدام در جهت پیشنهاد راه‌های مناسب، نهایت سعی خود را در جهت روشن ساختن مسائل به خرج دهند.

پس از آنکه مسائل اساسی مشخص شدند و بر سر صورت‌بندی دقیق آنها توافق به عمل آمد، نوبت به ارائه راه‌های بدیع و مبتکرانه و جسورانه می‌رسد. راه‌های پیشنهادی می‌تواند از سوی شهروندان عادی، صاحب‌نظران و متخصصان (خواه آنان که مصدر کار هستند و خواه آنان که از بیرون بر امور نظاره می‌کنند)، و نیز گروهها، و نهادهای مختلف با رهیافتها و دیدگاههای متفاوت عرضه شود. این

راه‌های رقیب می‌باید با استفاده از ضوابط و معیارهایی که در هر حوزه، صورت عقلانی و بهینه‌ امور مربوط به آن حوزه را مشخص می‌سازد، مورد بررسی و مقایسه قرار گیرند و نقاط قوت و ضعفشان سنجیده شود و در نهایت بهترین آنها به‌عنوان برنامه عملی جهت اجرا در حوزه مربوطه برگزیده شود.

تردیدی نیست که به‌دلیل پیچیدگی شرایط، همواره ممکن است حتی به‌دنبال رعایت همه جوانب، در حد توان انسانی مدیران، باز هم اشکالاتی پیش‌بینی نشده بروز کند، نظیر آنکه هزینه‌ها به‌مراتب از مقادیر محاسبه‌شده فزونی بگیرد، و یا دشواری‌هایی جدی برای کسانی که برنامه برای رفاه حال آنان طراحی شده بروز کند. از این‌رو است که بررسی نقادانه راه‌های پیشنهادی با مشارکت عامه مردم، اهمیتی بسزا پیدا می‌کند. دولتمردان و سیاستمداران می‌باید اجازه دهند تا طرحها و برنامه‌هایی که به‌عنوان رافع برخی مشکلات در حوزه‌هایی معین ارائه شده‌اند به‌نحو کاملاً باز و آزاد مورد ارزیابی نقادانه قرار گیرند. این فراگرد اجازه می‌دهد تا از میان راه‌های رقیب مناسبترین راه حل و یا ترکیبی از مناسبترین راه‌ها انتخاب شود. هرچه فراگرد بررسی و ارزیابی نقادانه در مرحله پیش از به‌اجرا درآوردن طرحها با دقت و گستردگی و جامعیت بیشتری دنبال شود، امکان بروز اشتباه در مرحله اجرا کمتر می‌شود، و صرفه‌جویی بیشتری در هزینه‌های نیروی انسانی و منابع انرژی و مالی صورت می‌پذیرد.

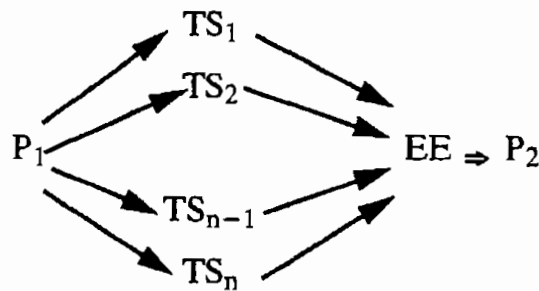
نکته مهم آنکه وقتی برنامه‌ای به‌دنبال نظرخواهی دقیق و همه‌جانبه از شهروندان و دخالت دادن دیدگاههای نقادانه و پیشنهادهای اصلاحی آنان به‌مورد اجرا درآید، اگر در حین اجرای برنامه، بروز برخی اشکالات پیش‌بینی نشده موجب شود تا از رهگذر اجرای آن ضرر و زیانی متوجه جامعه شود، جامعه با روی بازتر و دشواری کمتری این آثار نامطلوب را تحمل می‌کند و مشتاقانه و دلسوزانه در جهت تصحیح آنها همکاری خواهد کرد. مشارکت ندادن عامه و عدم نقادی باز و گسترده طرحها موجب می‌شود تا در صورت بروز اشکالات، که معمولاً گریزی از آنها نیست، مردم بیش از پیش از رهبران و دولتمردان دور و دلسرد شوند. کار بررسی و ارزیابی طرحها می‌باید در حین اجرای آنها نیز جریان پیدا کند، و این امر بدان معنی است که مردم در مراحل مختلف اجرای پروژه‌ها می‌باید از میزان پیشرفت‌ها یا توقفها و اشکالات احتمالی مطلع شوند و دلایل اعمال تصحیحات

ساختاری برای آنان به وضوح توضیح داده شود و دیدگاههای نقادانه آنان در خصوص تغییراتی که می‌باید به‌مورد اجرا درآید، در تصمیمات متخذه مورد استفاده قرار گیرد.

صورت ساده‌شده رهیافت پیشنهادی پاپر را می‌توان با استفاده از نمودار ذیل نمایش داد:



در این نمودار P_1 نماینده مسأله اولیه است که در یک حوزه معین می‌باید برای حل آن اقدام شود. TS راه حل پیشنهادی است که از میان راه‌های مختلف گزیده شده و به‌مورد اجرا درآمده است. EE مرحله ارزیابی راه حل و حذف خطاهای آن است. و بالاخره P_2 نماینده مسأله تازه‌ای است که از بطن مسأله اول و در جریان اجرای آن پدید آمده و می‌باید راه حلی برایش یافت شود. نمودار ذیل، صورت کاملتری از آموزه متدولوژیک پاپر را ارائه می‌دهد:



در نمودار اخیر $TS_1 \dots TS_n$ نماینده راه‌حلها یا فرضیه‌های پیشنهادی برای مسأله P_1 هستند که می‌باید به‌نوبت مورد بررسی نقادانه قرار گیرند. مقایسه میان این فرضیه‌ها یا راه‌حلها با بهره‌گیری از ملاکهای ارزشیابی درونی یا منطقی (نظیر سازگاری^۱ و تلائم^۲) و ملاکهای بیرونی یا فرا-منطقی (مانند قابلیت وحدت بخشیدن به امور ظاهراً پراکنده و بی‌ارتباط^۳، وضوح و روشنی نکات مورد اشاره^۴، و برخورداری از حداقل تبعات نامطلوب^۵ - در حدی که سنجش آن مقدور باشد)

1. consistency

2. coherence

3. unification

4. clarity

5. least unwanted consequences

می‌تواند در انتخاب مناسبترین فرضیه یا راه حل موقت، مؤثر واقع شود. یکی از ملاکهای فرا-منطقی^۱ مهمی که در گزینش مناسبترین فرضیه نقش بازی می‌کند چشم‌انداز تازه‌ای است که از رهگذر آموزه‌های یک فرضیه (راه حل) پدید می‌آید و به طرح مسائل نظری جدید (P₂) و ارتقاء سطح معرفت سیاستگذاران و دولتمردان کمک می‌کند: راه‌حلهای بدیعتی و جامعتر، افق‌های جدیدتر و حائز اهمیت‌تری را پیش روی دست‌اندرکاران می‌گشاید.^۲

توجه به دیدگاههای پاپر در حوزه معرفت‌شناسی، به کاربرد مؤثرتر آموزه‌های روش‌شناسانه وی در قلمرو فعالیت‌های عملی مربوط به سیاست و حکومت و اداره دولت، مدد می‌رساند. در هر دو زمینه، به اعتقاد پاپر، سروکار ما با یک وضع و حال ثابت و ایستا نیست بلکه با فراگرد تغییر و تحول روبرو هستیم و مسأله اصلی برایمان آن است که به چالشی که از رهگذر این تحولات مطرح می‌شود چگونه پاسخ دهیم. در حوزه معرفت‌شناسی این چالش به صورت مسأله رشد معرفت جلوه می‌کند و وظیفه متفکر مواجهه با شکاکی است که دستیابی به معرفت را منکر است، و در قلمرو مسائل اجتماعی و سیاسی، مسأله عبارت است از چاره‌اندیشی برای تحولات اجتماعی و مدیریت بهینه آنها. در هر دوی این حوزه‌ها، فعالیت اصلی فرد، خواه فیلسوف و خواه مدیر اجتماعی، تلاش برای حل مسائل مطروحه است. اولین شرط موفقیت در این تلاش، واجد بودن شناختی دقیق و بدون ابهام از آن مسائل است که این امر به نوبه خود از طریق تحلیل دقیق و سنجیده حاصل می‌شود. در حوزه سیاست و امور اجتماعی که راه‌حلهای غالباً در قالب سیاستهای اجرایی ارائه می‌شود، می‌باید همواره این پرسش را مد نظر داشت که «سیاست پیشنهادی برای حل کدام مسأله عرضه شده است؟» اگر مسأله‌ای برای حل شدن وجود نداشته باشد و یا آنکه ابعاد مسأله تناسبی با ابعاد سیاست پیشنهادی نداشته باشد، اجرای آن نقض غرض خواهد بود و به ضرر و زیان منجر می‌شود. معمولاً کمیته‌های اجرایی و مشورتی و یا نهادهای طرح‌دهنده، علاقه خاصی به عرضه انواع پیشنهادها و

1. meta-logical

۲. در خصوص رهیافت پاپر به «مسأله» و شیوه پیشنهادی وی برای «حل مسائل» نگاه کنید به: Karl Popper, *Objective Knowledge: An Evolutionary Approach*, Clarendon Press, Oxford, 1983.

برنامه‌ها و پروژه‌ها دارند. طرح مستمر این پرسش که «پروژه پیشنهادی برای حل کدام مسأله عرضه شده؟» می‌تواند به‌مدیر اجرایی کمک کند تا بر اساس شناخت روشنی که از مسأله دارد یا کسب می‌کند، نظر دقیق‌تری در خصوص طرح‌های پیشنهادی به‌دست آورد و قضاوت صائب‌تری ارائه دهد.

نقادی راه‌حلهای ارائه‌شده، خواه در قلمرو معرفت‌شناسی و خواه در حوزه مسائل اجتماعی و سیاسی، مؤثرترین روش برای مقابله با چالشی است که از ناحیه تحولات مستمر ناشی می‌شود. از آنجا که هیچ‌گاه نمی‌توان در موضعی قرار گرفت که بتوان مدعی احاطه به معرفت کامل و بدون نقص شد، بهترین شیوه برای اجتناب از خطاهای بزرگ آن است که راه را برای مطرح شدن انتقادات باز بگذاریم و از آنها استقبال کنیم. گفتگوی نقادانه مناسبترین ابزاری است که به دولتمردان و مدیران اجرایی و نیز به متفکران در حوزه شناخت‌شناسی اجازه می‌دهد تا دیدگاهها و نظرات خود را تصحیح کنند و به‌راه‌حلهای بهتر و مؤثرتر دست یابند.^۱

در حوزه سیاست و امور اجتماعی، اتخاذ این رهیافت به‌معنای آن است که مدیران و مسؤولان می‌باید سه آموزه روش‌شناسانه را به کار بندند: نخست؛ آنکه در سطح فردی یا نهادی (نهادی که فرد عضوی از آن به‌شمار می‌آید) با بهره‌گیری از آنچه که انتقاد خلاقانه^۲ نامیده می‌شود از سویی به‌ارزیابی نقادانه پیش‌فرضها و عادات ذهنی و معرفتهای پیشین خود که به‌طور ناخودآگاه بر تصمیم‌گیری‌هایشان تأثیر می‌گذارد مبادرت ورزند، و از سوی دیگر با عرضه و ابداع آزمونهای ذهنی^۳ به‌ارزیابی جنبه‌های مختلف راه حل پیشنهادی خود در شرایط عمل فرضی اقدام کنند. دوم؛ آنکه برای دیدگاههای مخالفان احترام قائل شوند و آماده پذیرش نظرات موجه آنان باشند. آرای که از جانب گروهها یا افرادی با دیدگاهها و اصول و پیش‌فرضهایی متفاوت با آنچه که مورد استفاده دولتمردان در تدوین راه حل پیشنهادیشان بوده، عرضه می‌شود، این امکان را به‌وجود می‌آورد که راه حل پیشنهادی از زوایایی جدید به‌محک ارزیابی نقادانه بخورد و منقح‌تر و کاملتر گردد و یا آنکه به‌نفع راه حل بهتری کنار گذارده شود. سوم؛ آنکه راه حلی که در نهایت

۱. در باب اهمیت گفتگوی نقادانه، از جمله بنگرید به:

Karl Popper, *Conjectures and Refutations: The Growth of Scientific Knowledge*, Routledge & Kegan Paul, 1965.

2. imaginative criticism

3. thought experiments

برگزیده می‌شود و مقرر می‌گردد از طریق نهادهای سیاسی و اجرایی مورد نظر به اجرا درآید، می‌باید به گونه‌ای مراحل عملی را طی کند که بررسی و ارزیابی آن در هر مرحله به وسیله شهروندان امکان‌پذیر باشد. نظارت مردم بر نحوه عملکرد نهادهای اجرایی در جریان اجرای طرحها و پروژه‌ها می‌تواند به میزان زیادی تحقق بهینه این طرحها را تسهیل نماید.

پایر بر این نکته تأکید دارد که طرحها و پروژه‌ها و سیاستهایی که در قلمرو امور اجتماعی و سیاسی به مورد اجرا گذارده می‌شوند می‌باید یک اصل اساسی را مد نظر قرار دهند. این اصل را می‌توان بدین‌گونه صورت‌بندی کرد: «میزان سختی و فشار قابل اجتناب را به حداقل تقلیل دهید». این اصل متدولوژیک از دیدگاههای اخلاقی پایر اخذ شده است که ذیلاً بدان اشاره خواهد شد. پایر معتقد است که دیگر انسانها را می‌باید همانند خود شریک در انسانیت به‌شمار آوریم و با اندیشه‌ها و عقاید آنان از سر سعه صدر و احترام برخورد کنیم و از دست زدن به خشونت پرهیز کنیم.^۱

توجه به جنبه‌های انسانی مسائل و تلاش برای به حداقل رساندن آلام و مصائب، تنها وجه ممیز روش‌شناسی پایر در حوزه علوم اجتماعی از روش‌شناسی وی در حوزه علوم طبیعی به‌شمار نمی‌آید. پایر در قلمرو علوم طبیعی مخالفتی با وضع هیویات نظری^۲ به‌منظور تبیین پدیدارها ندارد. به شرط آنکه این هیویات مفروض بتوانند شرایط متدولوژیک لازم را احراز کنند. اما در حوزه علوم اجتماعی و سیاسی، پایر معتقد است که در کاربرد واژه‌های نظری که هیویات مفروض نظیر گروه، طبقه، قشر و امثالهم را معرفی می‌کنند می‌باید نهایت احتیاط رعایت شود و فراموش نگردد که همه این قبیل هیویات در واقع از افراد و اشخاص واقعی به‌وجود آمده‌اند و بنابراین در احکامی که در خصوص این هیویات صادر می‌شود می‌باید وضع و حال افراد را در نظر گرفت و کاربرد اصل «به‌حداقل رساندن آلام و مصائب» را فراموش نکرد.

توجه به وضع و حال افراد، به‌نوبه خود محصول یک آموزه متدولوژیک موسوم به «اصالت فرد متدولوژیک» است که از جمله نتایج آن این است که دولت‌ها و حکومتها می‌باید با شهروندان به‌نحو مساوی و غیرمبتنی بر تبعیض رفتار کنند و آزادی آنان را محترم بشمارند و از آن دفاع نمایند.

۱. در این خصوص از جمله نگاه کنید به فصل ۴ کتاب حاضر.